

تنش‌زدایی با آمریکا در خصوص مسائل مختلف منطقه‌ای و تعدیل تعارضات ایدئولوژیکی-امنیتی بین دو کشور به اختلافات سیاسی-اقتصادی قابل‌مذاکره، منافع کشورهای منطقه را نیز در این مسیر مورد توجه قرار دهد. در صورت کاهش خصومت بین ایران و آمریکا و عدم تعارض آن با منافع کشورهای منطقه، دیگر آمریکا مانع همگرایی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس نخواهد بود. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران و عربستان نیز باید اختلافات خود را در یمن، بحرین، سوریه و عراق حل و فصل کنند. از طرفی، نخبگان بسیاری در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس بر این باورند که صرف همکاری نزدیک با آمریکا لزوماً منافع آن‌ها را در منطقه تأمین نخواهد کرد؛ بلکه این همکاری و همگرایی درون منطقه‌ای است که در بلندمدت، ثبات پایداری برای منطقه به ارمغان خواهد آورد. به لحاظ تجربه‌ی تاریخی هم می‌توان گفت که «در مسائل منطقه‌ای، عربستان سعودی کاملاً از خط‌مشی واشینگتن، خصوصاً در مسائل اعراب و اسرائیل پیروی نکرده است. ارتباط با آمریکا گاهی در تعارض با منافع امنیتی عربستان در سطح منطقه‌ای بوده است.» (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰، ص. ۳۵۶)

۵. ارائه مدل همگرایی اقتصادی در حوزه‌ی خلیج فارس

در خصوص همگرایی در منطقه‌ی خلیج فارس در پژوهش‌های مختلف راهکارهای گوناگونی پیشنهاد شده است و در این باره صاحب‌نظران به موضوعات متفاوتی اولویت می‌دهند. بعضی از آن‌ها بر اولویت اشتراکات دینی و فرهنگی تأکید دارند و برخی بر اولویت موضوعات سیاسی و امنیتی و عده‌ای دیگر نیز اقتصاد را عرصه‌ای می‌دانند که باید همکاری و همگرایی منطقه‌ای از آن شروع شود. رویکرد این مقاله متفاوت از این دیدگاه‌ها است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۵-۱. مدل‌های همگرایی سلسله‌مراتبی (براساس پیشنهاد‌های محققان)

مدل‌های پیشنهادی صاحب‌نظرانی را که در زمینه‌ی همگرایی منطقه‌ی کار کرده‌اند، بر حسب اولویتی که به موضوعات همکاری قائل هستند، می‌توان به سه دسته